



تیم ایرانی در وین اعلام کرد تا درباره همه چیز توافق نشود، درباره هیچ چیز توافق نشده است

# پیش‌نویس، توافق نیست

باقری: باید در مسیر مذاکرات تغییرات شکلی و محتوایی ایجاد شود

دومین سند مکتوب ابراز پشیمانی مرحوم آذری قمی از مواضعش علیه رهبری و انقلاب منتشر شد

آذری قمی خطاب به رهبر انقلاب:

## مرا ببخشید

دو ساله ای که توسط کار سعودی تصدیع شد جهت را سوال کرده لورد این نغمه دستند  
در اوانل سنده بر صحت من فکر کردم که نامم به دنبال مقام سقید با توسل به حضرت عباس  
سلام الله علیه کلمه فوراً حل شد و شکریم که فرزندان خود را به آقا رحمت ارجع داده اند  
در صورت من گفت احساس نظارت محرومیت از خدمت از حضرت به نظام من تمام کرد تا توقع دارم  
که از فرخ نائید داکتر با آن موطن به صحبت سلسله را بخشد تا سلام علیکم بر عهد الله  
مرحومه  
امیران زین العابدین  
۵۶۲۱

نشر آثار امام خمینی (ره) منتشر شده، تاریخ صدور نامه ۱۲ خرداد ۱۳۷۵ قید شده است. گفتنی است منبع اخیر، این نامه و تاریخ نگارش آن را به «مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» استناد کرده است. با توجه به تهاقت یادشده در تاریخ صدور نامه در این منابع و ابهام به وجود آمده پیرامون آن و اهمیت ثبت مضمون نامه به عنوان سندی مهم و عبرت‌آموز در تاریخ انقلاب اسلامی، تقاضا نمودیم آن مرکز نظر صریح خود را درباره تاریخ مضمون نامه و اصالت تصویر منتشرشده از آن نامه، برای صیانت از حافظه تاریخی ملت و اسناد تاریخی که افراد و جریان‌هایی در صدد مخدوش‌سازی و تحریف آنها هستند، اعلام کند.

والأمر الیکم  
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

تصویر نامهای منسوب به مرحوم آقای آذری قمی با مضمون عنذرخواهی وی از مقام معظم رهبری و اظهار پشیمانی از مواضعی که علیه ایشان اتخاذ کرده بود را منتشر کردند که منجر به واکنش‌هایی نسبت به آن شده است. یکی از مهم‌ترین این واکنش‌ها تشکیک در اصل وجود نامه و صحت تاریخ انتشار نامه است. شایان ذکر است در برخی منابع تاریخی همچون کتاب خاطرات آیت‌الله‌العظمی شمسیری زنجانی با عنوان «جرعای از دریا»، ج ۴، ص ۶۵۳ و همچنین در تصویری که از دستخط آن مرحوم توسط یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شده است، صدور آن در تاریخ ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۷۶ دانسته شده است. در حالی که در برخی آثار تاریخی همچون کتاب «وشن‌بینی امام خمینی رحم‌الله علیه در نامه ۱۳۶۸/۱۶» تألیف آیت‌الله ری‌شهری، ص ۱۶۶ که از سوی مؤسسه عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و

ایسن دفتر برای رفع هر گونه ابهام و به منظور بهربرداری همه عاقل‌مندان بخصوص پژوهشگران حوزه تاریخ انقلاب اسلامی، تصویر آنها را منتشر می‌کند.  
روابط عمومی دفتر حفظ و نشر آثار  
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی  
\*\*\*

نامه برخی مؤسسات فعال در حوزه مطالعات تاریخی درباره سندیت نامه عنذرخواهی مرحوم آذری قمی از رهبر انقلاب:

بسم‌الله الرحمن الرحیم  
حضور محترم ریاست دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی  
سلام علیکم  
همان‌گونه که مستحضر هستید ماه گذشته برخی از رسانه‌های مکتوب و مجازی برای اولین بار متن و

امام خمینی رحم‌الله علیه» تألیف آیت‌الله ری‌شهری دام‌برکاته درج شده و اخیراً توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره‌الشریف منتشر شده است. مرحوم آیت‌الله آذری قمی در نامه دیگری در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱ با اشاره به نامه اول، به همین مضمون تصریح کرده و در بخشی از آن نوشته است: «در نامهای که توسط آقای مسعودی تقدیم شد جهت را سوال کرده بودید ایشان نمی‌دانستند. در اوایل مساله مرجعیت من فکر می‌کردم شما هم به دنبال مقام هستید. با توسل به حضرت عباس سلام‌الله علیه مشکل فوراً حل شد و شندیم که فرزندان خود را به آقای پهجت ارجاع داده‌اید. در هر صورت من سخت احساس مظلومیت و محرومیت از خدمت به نظام می‌نمایم و از شما توقع دارم که آن را رفع نمایید و اگر با آن سوءظن به شما جسارت شده مرا ببخشید.»

گروه سیاسی: در پی انتشار نامه پوزش‌خواهی مرحوم آیت‌الله آذری قمی از رهبر معظم انقلاب اسلامی در رسانه‌ها و طرح برخی ادعاها و تردیدها در صحت و تاریخ آن، برخی پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی و تعدادی از مراکز و مؤسسات فعال در حوزه مطالعات تاریخی، طی نامه‌ای با اشاره به اهمیت موضوع و مباحث پیش‌آمده، از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی درخواست روشنگری و رفع ابهام کردند. به گزارش دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، این دفتر در پاسخ به این درخواست اعلام کرد مرحوم آیت‌الله آذری قمی مکاتبات متعددی با رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی داشته که از جمله آنها ۲ نامه مستعمل بر عنذرخواهی از معظم‌له است. نامه اول در ۱۳۷۵/۳/۱۲ برابر با ۱۴ محرم ۱۴۱۷ نگارش شده که در صفحه ۱۶۶ کتاب «وشن‌بینی

تندرو، پهبادها، زیر دریایی‌ها و مین‌های ساحلی و دریایی در این منطقه مستقر کرده است. «ابرار کاپلان» در کتاب انتقام جغرافیا، خط ساحلی ایران را اینطور شرح می‌دهد: «خلیج‌ها، تنگه هرمز و جزایر ایران مکان‌های عالی برای مخفی کردن قایق‌های تندرو است.» مساله این است که جغرافیا یک عنصر کلیدی در برنامه‌ریزی نیروی دریایی ایران است. ضمن اینکه فضای محدود خلیج‌فارس (عرض دریا) که در بسیاری از نقاط کمتر از ۱۰۰ مایل دریایی عرض دارد، مانورپذیری ادوات سطحی بزرگ مانند ناوهای هواپیمابر را محدود می‌کند. در مقابل سواحل شمالی خلیج‌فارس پر از دماغه‌های صخره‌ای است که برای پوشش زمین و عملیات قایق‌های کوچک مناسب است. در کنار این موارد بر خورداری ایران از جزایر متعدد در خلیج‌فارس سبب شده ایران روی خطوط اصلی کشتیرانی در خلیج‌فارس و دریای عمان تسلط کامل داشته باشد.» بر این اساس می‌توان گفت ادعاها واهی نظیر آنچه فرمانده نیرویست‌های آمریکایی درباره برنامه آنها برای مقابله با ایران مطرح می‌کند و از سوی رسانه‌های همسو با آنها برجسته می‌شود، به هیچ عنوان محلی از اعراب ندارد اما آنچه در این میان باید مدنظر قرار گیرد، ارزشمند بودن قدرت نفوذ منطقه‌ای ایران و صیانت برتر منطقه‌ای و فرماندهی‌ها با هدف حفظ نقطه قوتی به نام عمق استراتژیک ایران است.

به ایران هم نخواهد داد؛ چه اینکه پیوندهای راهبردی ایران و ترکیه نیز تاکنون با وجود همه تنش‌های فیمابین، روابط سیاسی و دیپلماتیک بین این ۲ قدرت منطقه‌ای را حفظ کرده است. صرف‌نظر از این، کوه‌های زاگرس که مرزهای ایران با ترکیه و بخش بزرگی از مرز عراق را مشخص می‌کند، تهاجم بزرگ را از این مسیر بشدت دشوار خواهد کرد. تنها استثنا در مرزهای غربی ایران، در جنوب آن است؛ جایی که رودخانه‌های دجله و فرات با هم برخورد می‌کنند و آبراه شط‌العرب را تشکیل می‌دهند. این مسیر تهاجمی بود که صناد در دهه ۱۹۸۰ از آن استفاده کرد. با این حال پیوندهای ناگسسته‌نی و عمیق ایران-عراق در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی این ۲ همسایه را به متحدان استراتژیک تبدیل کرده است. واقعیت حاکم بر شرایط منطقه نشان می‌دهد نفوذ منطقه‌ای ایران بویژه در بعد قدرت نرم برای هر رئیس‌جمهور آمریکا که تصور حمله به ایران از ذهنش عبور کرده، مانعی مستحکم در برابر این گزاره بوده است و تهران تا حد زیادی در چنین سنگرهای خود موفق بوده و پایگاه‌های بالقوه‌ای که آمریکا در غرب ایران مدنظر داشته تا بتواند از آنجا به ایران حمله کند، بسته است. بنابراین تنها گزینه باقی‌مانده آمریکا این است که خط ساحلی جنوبی ایران را که تقریباً ۸۰۰ مایل امتداد دارد و بین آب‌های مجاور خلیج‌فارس و دریای عمان تقسیم شده است، مورد حمله قرار دهد. در اینجا نیز سازمان دفاعی مستحکم که برابر هر گونه تجاوزی شکل گرفته است، ایران در ربع قرن گذشته خود را برای چنین اتفاقی آماده کرده است. به طور خاص، ایران روی دستیابی به قابلیت‌هایی برای اجرای استراتژی منع دسترسی به ساحل تمرکز کرده است. ایران تعداد زیادی موشک هدایت‌شونده، قایق‌های

نیز عامل جدی در برابر هر گونه تهاجم و تخاصم خارجی بویژه از جانب آمریکا خواهد بود. اخیراً مرکز «Stratfor» به عنوان یک شرکت خصوصی مشاور اطلاعاتی، فتح ایران را به عنوان «یک قلعه که از ۳ طرف توسط کوه‌ها و از طرف چهارم توسط اقیانوس احاطه شده است، با یک زمین کویری در مرکز آن» بسیار دشوار دانسته بود. در حالی که «قدرت توقف آب» با توجه به عصر مهمات هدایت‌شونده دقیق، تهاجمات آبی-خاکی را چالش‌برانگیز کرده است. ایالات متحده از روی ناچاری ترجیح می‌دهد از طریق یکی از مرزهای زمینی به ایران حمله کند، همان‌طور که سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. بر این اساس می‌توان گفت گزینه‌های محدودی در این زمینه وجود دارد. اگر آمریکا قصد تهاجم از غرب افغانستان را به عنوان محتمل‌ترین راه برای حمله به ایران در نظر بگیرد، با توجه به شرایط فعلی منطقه از نقطه نظر لجستیکی، ایجاد یک نیروی مهاجم بزرگ در غرب افغانستان یک کابوس خواهد بود. حال با فرض امکان استفاده از غرب افغانستان، موضوع مهم، جغرافیای منطقه مرزی است. اول اینکه چند رشته‌کوه نسبتاً کوچک در امتداد منطقه مرزی وجود دارد. وحشتناک‌تر اینکه، آغاز حرکت از مرز افغانستان و رسیدن به شهرهای بزرگ ایران مستلزم عبور از ۲ منطقه بزرگ کویری یعنی دشت لوت و دشت کویر است. وجود این پهنة بزرگ خاکی و باتلاقی، بشدت توانایی آمریکا را برای استفاده از هر پیاده نظام مکانیزه است. در این گزارش آمده است: «در صورت حمله نظامی به ایران، تهران می‌تواند حتی قبل از شروع حمله نظامی، هزینه‌های گزافی را به ارتش ایالات متحده تحمیل کند. در این بین با وجود همه توان تکنولوژیک و قدرت رزمی ایران مؤلفه‌های به نام ژئوپلیتیک ایران

متنوع برای اجرا در برابر ایران نوعی تناقض و استیصال را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ژنرال مک‌کنزی و کارشناسان تحت امر او بخوبی واقفند اقدام نظامی علیه ایران، گزینه‌ای نیست که حتی «مکان فکر کردن» به آن وجود داشته باشد. در تشریح این گزاره می‌توان گفت اگر چه عرصه کنونی تقابل نظامی و درگیری بین کشورها تحت تاثیر جنگ‌های هیبریدی قرار گرفته و مؤلفه‌هایی نظیر جنگ‌های سایبری، تقابل نظامی مبتنی بر هوش مصنوعی و مباحثی از این دست در اولویت کشورهاست اما واقعیت امر این است که توقف دانش بومی ایران در زمینه فناوری هسته‌ای گزینه‌ای است که تنها از طریق کنترل سرزمینی و به بیان دقیق‌تر اشغال کشور امکان‌پذیر است تا به طور بالقوه حکومت ایران را به یک نظام سرسپرده و تحت قیمومت آمریکا مبدل و وضعیت غیرهسته‌ای ایران را حفظ کند. به رغم حمایت گسترده ایالات متحده از جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران، این گزینه تقریباً هرگز توسط هیچ‌ناظر جدی پیشنهاد نمی‌شود. ضمن خود حاکمی از آمادگی ایران در دفاعی سایرین در کنار قدرت موشکی آن امری مسجل است. علاوه بر این سرمایه‌گذاری ایران در سال‌های اخیر در عرصه هوش مصنوعی و کاربرد این فناوری در موشک‌های میان‌برد خود حاکی از آمادگی ایران برای تقلیل با دشمنان در این عرصه است.

رضاء عدالتی‌پور: چند روز قبل در آستانه از سرگیری مذاکرات وین میان ایران و ۴+۱، «کنس مک‌کنزی» فرمانده نیروهای تروریست آمریکایی در منطقه غرب آسیا (سنتکام) در مصاحبه‌ای با مجله «تایم» با تکیه بر اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت: «رئیس‌جمهور ما گفته آنها به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهند کرد». او در ادامه با ادعایی تعجب‌برانگیز و غیرکارشناسی گفت: «در این پرونده، دیپلمات‌ها هدایت امور را در دست دارند اما ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا برنامه‌های متنوعی دارد که می‌توانیم در صورتی که به ما دستور داده شود، آنها را اجرا کنیم». این اظهار نظر مک‌کنزی در رسانه‌های غربی به عنوان یک هشدار جدی از سوی آمریکا برجسته شد و برای ساعت‌ها تیر یک رسانه‌های اصلی غرب بود. این در حالی است که مک‌کنزی در ابتدای مصاحبه خود صراحتاً بر توان اثبات شده موشک‌های ایران برای حمله دقیق به اهداف اندازن کرده بود. مک‌کنزی گفت: «یک کاری که ایرانی‌ها طی ۳ تا ۵ سال گذشته انجام داده‌اند، این است که بلنترم بسیار قبلی از موشک‌های بالستیک ساختند». مک‌کنزی درباره حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد اظهار داشت: «ها قدری شناس آوردیم، ما در بحبوحه انجام یک تمرین نظامی بودیم اما نیروهایی را که در حال انجام مأموریت‌های انسانی بودند، خارج کردیم. بنابراین کسی در آن حملات کشته نشد البته این صرفاً به خاطر اقدام ما بود، نه اقدام دشمن که قصد داشت آمریکایی‌ها را بکشد». این بخش از اظهارات مک‌کنزی در کنار ادعای وی مبنی بر برخورداری سنتکام از برنامه‌های

نگاه

### حکومت طالبان و چشم‌انداز آینده افغانستان

محمد حسین معصوم‌زاده:  
۲۴ مرداد سال جاری بود که طالبان توانست پس از هفت‌هفته درگیری با دولت مرکزی افغانستان، کابل



را به تصرف خود درآورد و حکومت را در دست گیرد. در این مدت این گروه با چالش‌های متعددی در امر حکومت‌داری روبه‌رو بوده است که از جمله این چالش‌ها می‌توان به رسمیت نیافتن حکومت طالبان توسط مجامع جهانی، بلوکه میلیارد‌ها دلار اموال افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا، وضعیت نابسامانی اقتصادی، خطر ایجاد بحران انسانی با توجه به آغاز فصل سرما و عملیات‌های تروریستی داعش -که شیعیان و نیروهای طالبان از هدف‌های اصلی این حملات بوده‌اند- اشاره کرد. البته در این مدت طالبان توانست تا حدی حاکمیت خود را تثبیت کرده و میزبان گروه‌های دیپلماتیک از کشورهای مختلف باشد.

با این وجود با توجه به متغیرهای مختلف همچنان نمی‌توان این گروه را حاکم مطلق افغانستان دانست، چرا که چالش‌هایی پیش روی طالبان است که همچنان می‌تواند حاکمیت آن را به خطر اندازد.

۱- تشکیل حکومت فراگیر متشکل از تمام اقوام: اصلی‌ترین مانع به رسمیت شناخته شدن حکومت امارت اسلامی افغانستان، عدم اطمینان کشورهای منطقه و جهان از مشارکت تمام گروه‌های قومی، مذهبی و حتی جنسیتی در ساختار جدید قدرت است. هر چند طالبان سعی کرده خود را فراگیر نشان دهد و با گروه‌های مختلف ارتباط برقرار کند اما همچنان این مساله یکی از باشکوه‌های آسیب‌آلوده این گروه است که مشروعیت آن را در داخل و خارج افغانستان تهدید می‌کند. در تمام نشست‌های دیپلماتیک میان کشورهای همسایه این کشور از جمله نشست تهران این موضوع به عنوان یکی از شروط اصلی در به رسمیت شناختن طالبان مطرح شده است.

۲- خطر ریزش بدنه و درگیری با گروه‌های تروریستی: بی‌ثباتی‌های افغانستان در ماه‌های اخیر این کشور را مستعد حضور گروه‌های تروریستی کرده است. گروه‌هایی که در آغاز کار، طالبان را هم‌دیدگاه خود می‌دیدند اما الزامات حکومت‌داری و تفاوت دیدگاه این گروه‌ها با امارت اسلامی شکافی را بین آنان ایجاد کرده که به نظر می‌رسد به مرور زمان افزایش خواهد یافت. طبیعتاً بدنه ایدئولوژیک طالبان نیز مستعد ترک این گروه و جذب در گروه‌های دیگر است.